

خارج کشور و جهنمی اعتراضی
برای موش‌ها

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

۳۰ خرداد آنها و ۳۰ خرداد ما

فواد عبدالمهدی

چهل سال از ۳۰ خرداد ۶۰ گذشت؛ مقطعی که جمهوری اسلامی با به‌خون کشیدن آرمان‌های انقلاب ۵۷، بقصد سرکوب کمونیست‌ها و شوراهای کارگری که در طی دو سال از قیام بهمن تا خرداد ۶۰ می‌رفت که جامعه را حول کمونیسم و حکومت شورایی خود قطبی کند، بر سر کار آورده شد؛ هراس و وحشت لیبرال‌ها و جناح‌های ریز و درشت بورژوازی از قدرت‌گیری کمونیسم و کارگر در ایران بعد از انقلاب ۵۷ آنقدر واقعی و گسترده بود که شیخ آن تا اتاق خواب آقای «جیمی کارتر» و هیئت حاکمه آمریکا هم رسید؛ می‌بایست در مقابل «خطر عروج سرخ» کاری می‌کردند! کتاب خاطرات رفسنجانی از این منظر جالب است که بورژوازی جهانی و داخلی چگونه در سال ۱۹۷۹ برای رفع احتیاج مقطعی خود (یعنی به شکست کشاندن انقلاب و تضمین دوباره حاکمیت ساختار سیاسی بورژوازی در ایران)، جریان اسلامی خمینی را ساخته پرداخته کرد. طرح یک ماشین عظیم نسل‌کشی بنام «اسلام سیاسی» علیه «خطر کمونیسم» در نشست گوادالوپ توسط سران دول غربی و در راس آنها دولت آمریکا ریخته شد و در ۳۰ خرداد ۶۰ رسماً اعلام شد.

از این مقطع به بعد بیش از ۱۰۰ هزار انسان را به جرم آزادی‌خواهی، به جرم مخالفت با حکومت اسلامی، به جرم تسلیم نشدن به قوانین سیاه اسلامی، به جرم اعتصاب برای بهبود شرایط زندگی، به جرم مبارزه برای برابری و رفاه با قساوت تیرباران و اعدام کردند؛ رفسنجانی‌ها و خامنه‌ای‌ها در کنار بهزاد نبوی‌ها و محتشمی‌ها، لاجوردی‌ها و صفوی‌ها در کنار محسن رضایی‌ها و خلغالی‌ها، گیانی‌ها، روحانی‌ها و رئیس‌ها کنار موسوی‌ها و خاکی‌ها و حجاران‌ها، سروش‌ها و گنجی‌ها، «دگراندیشان» و «اصلاح‌طلبان» امروزی شانه‌به‌شانه اصول‌گرایان، پشت سر خمینی یکی از عظیم‌ترین فجایع تاریخ بشری را سازمان دادند و نسلی از شریف‌ترین رهبران طبقه کارگر، آزادی‌خواهان و انقلابیون کمونیست را پاکسازی اسلامی کردند.

این‌ها با پشتوانه عظیم مالی و تبلیغاتی دول غربی آمدند تا با اسلامیزه کردن جامعه ایران، در واقع نسل‌های آتی را مرعوب کنند به اینکه انقلاب علیه استبداد و فقر و دیکتاتوری برای آزادی و برابری و رفاه، «هزینه» دارد! که اراده برای تغییر بنیادین و رادیکال در جامعه «هزینه» دارد. ... صفحه ۲

-کارگران جهان متحد شوید!

یک گام به پیش
بعد از انتخابات!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

مناسک انتخابات ۱۴۰۰ تمام شد. منبعی به اسم «ستاد انتخابات جمهوری اسلامی» اعلام کرد که «۴۷ درصد» مردم در انتخابات شرکت کرده اند و سران جمهوری اسلامی را سورپرایز کرد. این تبلیغات و دوپینگ کردن‌های جمهوری اسلامی، این هیاهوی «حضور حداکثری مردم در انتخابات» در حالیست که دیروز حوزه‌های انتخاباتی در شهرهای مختلف ایران از تهران و اصفهان و شیراز تا تبریز و اهواز و سنج و ... از صبح تا عصر خالی بودند و در چند شهر کار به زد و خورد میان مردم معترض و اوباش رژیم کشیده شده و ناچار به جمع کردن صندوق‌ها شده اند. مردم تنش‌های آزادی و رفاه از یک هفته مانده به روز انتخابات، از تریبون‌های به اصطلاح «آزاد» در محلات و میادین اصلی شهرها استفاده کرده و عملاً کنترل را از دست مبلغین نظام درآورده و به صحنه سخنرانی‌های پرشور خود علیه جمهوری اسلامی تبدیل کردند. صفحه ۲

گزارش فعالیت‌های واحدهای حزب در خارج

کشور پیرامون مضحکه انتخابات صفحه ۳

کرونا عزرائیل فقرا یا فرشته بورژوازی

آسو سهامی

هفت تپه، «انتخابات» و کمپین رئیس‌ی

خالد حاج محمدی

مضحکه انتخابات ریاست جمهوری در ایران به صحنه اعلام انزجار مردم آزادیخواه از کل حاکمیت، از سیستم، قوانین، سنت و فرهنگ حاکم بر این جامعه تبدیل شد. در لابلای هر امکان و فرجه‌ای کارگران، زنان، جوانان و در یک کلام مردم آزادیخواه اعلام کردند که نه تنها این حاکمیت را نمی‌خواهند، بلکه خواهان جامعه‌ای آزاد، برابر و مرفه هستند. نخواستن جمهوری اسلامی، شرکت نکردن در این مضحکه و اعلام توقعات خود از زندگی، اعلام کیفر خواست علیه چهار دهه جنایت و بربریت، علیه استثمار و زن ستیزی، علیه بی حقوقی و استبداد سیاسی و ... در هر کوچه و خیابان، در هر جمع و مجمع کارگری و در هر تجمع کوچک و بزرگ نمایان بود. «انتخابات» ریاست جمهوری با همه تشریفات و تریکات سران حاکمیت به همدیگر و تلاش برای سرخ نگهداشتن صورت خود، بیان موقعیت به هم ریخته جمهوری اسلامی و پیروزی مردم آزادیخواه ایران بود. رئیس‌ی نهایتاً از تنور سرد «انتخابات» و صندوق بی رمق «رای» بیرون آمد، اما موقعیت جمهوری اسلامی در مقابل مردم ایران بعد از این مضحکه ضعیف تر از گذشته است و مردم از شکستی که به آنها دادند احساس غرور و پیروزی میکنند.

نکته قابل توجه در انتخابات این دوره، ترس و نگرانی کاندیداتوره‌های جمهوری اسلامی و کل حاکمیت از پایین جامعه، از وزن طبقه کارگر در معادلات سیاسی و همزونی حق طلبی کارگری در سیاست ایران بود. تبلیغات این دوره کاندیداتورها، لباس کارگر پوشیدن، به نام دفاع از کارگر و «حقوق پایینی‌ها» به میدان آمدن، تلاش مذبوحانه برای جلب توجه طبقه کارگر و محرومین جامعه در این مضحکه بود، چیزی که از قبل مهر باطل خورده بود. ... صفحه ۴

آزادی
برابری
حکومت کارگری

برنده این «انتخابات» نه رئیسی است و نه اصولگرایان؛ برنده این انتخابات جنبشی است که از بدو تولد این موجود سیاه و منحوس علیه آن دست به کار شده است. پیروز این انتخابات مردمی هستند که ۴۲ سال است به جمهوری اسلامی «نه» گفته اند، مردمی که یک لحظه از جدال بر سر آزادی و سعادت خود و کوتاه کردن دست این جانیان از زندگی و آینده خود دست برنداشته اند. برنده این انتخابات زنان آزادیخواهی اند که هشت مارس ۵۷ فریاد آزادی خود را سر دادند، کارگرانی اند که شوراهای کارگری ۵۷ تا ۶۰ را آفریدند، مردمی که در سرتاسر ایران و بویژه در کردستان علیه به خون کشیدن دستاوردهای انقلاب مقاومت کردند، دانشجویانی که هیچده تیر ۷۸ و شانزده آذر ۸۶ را خلق کردند، مردم محرومی که برای رفاه و آزادی دیمه ۹۶، آبان ۹۷ و ۹۸ را آفریدند. برنده این انتخابات طبقه کارگری است که پرچم «آزادی، رفاه، اداره شورایی» را به پرچم میلیونی جامعه تبدیل کرده است و بازنده این انتخابات کل «نظام» از اصلاح طلبان شکست خورده تا رئیس جمهور «پیروز» شان است!

جنبش آزادیخواهانه مردم در ایران با تو دهنی محکم خود به بالماسکه «انتخابات»، یک گام دیگر در جدال خود علیه حاکمیت و دستیابی به یک دنیای بهتر به پیش رفت. روز ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ روز اعلام انتخاب واقعی مردم، انتخاب «رفتن جمهوری اسلامی و برپایی جامعه ای آزاد و برابر و خوشبخت و اداره شورایی جامعه» است!

صدای پای این جنبش را هم رئیس جمهورهای سابق از جمله آقای خاتمی، احمدی نژاد و آقای روحانی حس کرده بودند و هم رئیس جمهور جدید و «منتخب»! همگی میدانند با «دشمن» قدرتمندتری روبرو شده اند! خوب فهمیده اند که نان این نظام و نهادها و قوانین قرون وسطایی آن، با فشار میلیونی توده های وسیع مردم از پایین آجر شده است. جنبشی که سنگر «انتخابات» را علیه حاکمیت بکار انداخته است و تا آخر مسیر یعنی تا سرنگونی کامل جمهوری اسلامی بدست خود و برپایی یک زندگی انسانی، آزاد و مرفه از پا نخواهد نشست.

«انتخابات» در جمهوری اسلامی تمام شد و این خندق هم توسط مردم و طبقه کارگر به تصرف درآمد! مردم و طبقه کارگری که قدرت خود را در اعتصابات کارگری، در خیزشهای توده ای، در تجمعات اعتراضی و در تخته کردن بساط انتخابات به حاکمیت و جهانیان نشان داده است، پس از «انتخابات» با حاکمیتی به مراتب ضعیف تر، با صفی متشتت و مستاصل روبرو است. دوران پر تحول و سرنوشت سازی در راه است و باید خود را آماده کرد. نباید به این پیروزی، هرچند بزرگ و شورانگیز اکتفا کرد. باید این پیروزی را به سنگری برای پیشروی های بعدی در جدال سرنوشت ساز بر سر آینده خود و نسلهای آتی، برای ساختن یک دنیای بهتر، آزاد و سعادتمند تبدیل کرد.

جنگ مردم با جمهوری اسلامی با قدرت تمام پیش میرود. صف مردم روز به روز فشرده تر و متحدتر میشود. اعتراضات و مطالبات مردم لحظه به لحظه با افق تر و رادیکال تر میشوند و طبقه کارگر و کمونیستهای آن بعنوان پرچمداران این جدال به جلو صحنه آمده اند. مردم ایران انتخاب واقعی خود را با صدای بلند فریاد زده اند. مردم آزادی میخواهند، برابری میخواهند، رفاه و خوشبختی میخواهند، مردم امنیت میخواهند و حکم خود را داده اند: برای دستیابی به این خواسته ها این رژیم باید برود! مردم رفاه، آزادی و حاکمیت شورایی میخواهند!

به دوران جدید خوش آمدید!

حزب کمونیست کارگری حکمیتست (خط رسمی)

۲۰ ژوئن ۲۰۲۱ - ۳۰ خرداد ۱۴۰۰

اینها بنام انقلاب، ضدانقلابیترین پاتک را به انقلاب عزیز ۵۷ زدند تا به خیال خودشان نسل انقلابی امروز در جامعه ایران را از انقلاب کردن علیه بساط حاکمیت سیاسی بورژوازی در ایران بترسانند! اما امروز ورق برگشته است! مشروعیت نداشته اینها برای هر جنبندهای در ایران معاصر آشکار و عیان شده است؛ وصله ناجوری که بزور بر پیکر جامعه ایران دوختند لحظه به لحظه در حال عمیق کردن گور خود در مقابل نسلی است که از ارزشها و قوانین قرون وسطایی این نظام عبور کرده است؛ جامعه ایران توسط طبقه کارگر و کمونیستها، توسط طوفان برابری طلبی و آزادیخواهی جنبش رهایی زن، با اعلام پایان دادن به این کابوس سیاه اسلامی در حال یک جراحی عمیق برای کندن این دمل چرکین حاکمیت استبداد و خفقان اسلامی از پیکر جامعه است. مردم ایران مستحق زندگی در یک جامعه مرفه، آزاد و ایمن هستند؛ آنچه ۳۰ خرداد ۶۰ را به ۳۰ خرداد ۱۴۰۰ مرتبط میکند چیزی جز این نیست که شعله های امید به تغییر ریشه های و بنیادین در جامعه ایران بار دیگر از زیر خاکستر انقلاب نیمه ناتمام ۵۷ آغاز به رقصیدن کرده است؛ شعله های آتشی که از هفت تپه تا تهران، از کردستان تا خوزستان با پرچم «حکومت شورایی» فوران کرده است.

کشمکش و جنگ مردم با جمهوری اسلامی ادامه تاریخ شکست نخوردگانی است که از تریبونهای «آزاد» این نظام تا خارج کشور، از عمق معادن و کارخانه ها و میادین کار تا محلات زیست مردم، عرصه را بر دم و بازدم سیاسی این نظام تنگ کرده است؛ کاسه صبر نسل جدیدی از کارگران سوسیالیست، زنان برابری طلب و جوانان پرشور و آوانگاردی که چشمانشان به حاکمیت سیاه خفقان در قرن ۲۱ باز شده، لریز است. امروز در اتاقهای فکری این نسل، نقشه پیروزمندانه انقلاب آتی در حال طراحی است؛ بر متن عبور جامعه از جمهوری اسلامی و تسخیر آخرین خندق این نظام یعنی «انتخابات»، بر متن تبدیل تریبونهای این نظام علیه مبانی این نظام توسط مردم عاصی و معترض، نبرد نهایی در حال نضج است. جامعه در حال متشکل شدن و آمادگی برای نبرد نهایی است؛ جنبش و قدرتی به مراتب عظیم تر، جهت دارتر و با برنامه تر از انقلاب ۵۷ شروع به حرکت در اعماق کرده است. «خطر» کمونیسم دخالت گر و حاکمیت شورایی، «خطر» برقراری یک نظام آزاد و برابر، بیخ گوش جمهوری اسلامی است.

این هم پاتک ماست! ۳۰ خرداد ۱۴۰۰ ماست! سوسیالیستها و طبقه کارگر در ایران، کاری دارند کارستان!

انتخاب مردم:

آزادی، رفاه، حکومت شورایی!

«انتخابات» در جمهوری اسلامی تمام شد و این خندق هم توسط مردم و طبقه کارگر به تصرف درآمد! مردم و طبقه کارگری که قدرت خود را در اعتصابات کارگری، در خیزشهای توده ای، در تجمعات اعتراضی و در تخته کردن بساط انتخابات به حاکمیت و جهانیان نشان داده است، پس از «انتخابات» با حاکمیتی به مراتب ضعیف تر، با صفی متشتت و مستاصل روبرو است. دوران پر تحول و سرنوشت سازی در راه است و باید خود را آماده کرد. نباید به این پیروزی، هرچند بزرگ و شورانگیز اکتفا کرد. باید این پیروزی را به سنگری برای پیشروی های بعدی در جدال سرنوشت ساز بر سر آینده خود و نسلهای آتی، برای ساختن یک دنیای بهتر، آزاد و سعادتمند تبدیل کرد.

مشور سرنگونی جمهوری اسلامی را به پرچم خود تبدیل کنید

گزارش فعالیت واحدهای حزب در خارج کشور پیرامون مضحکه انتخابات

انگلستان - لندن

همزمان با نمایش انتخابات ۱۴۰۰ جمهوری اسلامی در ایران، تظاهرات علیه آن هم در همین روز در لندن همزمان با بقیه کشورها برگزار گردید. طبق فراخوان و سازماندهی حزب حکمتیست خط رسمی و دیگر احزاب و سازمان های چپ، آزادیخواه و برابری طلب، جمعیت قابل توجهی از لحظه شروع اخذ رای آنجا حضور داشتند و در همان دقایق اول یکی از کمونیست ها با پرتاب رنگ به در و دیوار و گاردهای کنسولگری حمله کرد. معترضین مصمم تر از قبل با حضور فعال و پرشور خود با شعارها و سخنرانی های کوبنده و رادیکال، نمایش انتخاباتی رژیم را هر چه بیشتر به سُخره گرفتند.

عدم حضور مردم برای رای و خبرهای داخل ایران مبنی بر حضور حداقلی و خالی بودن بسیاری از مراکز رای گیری، انرژی بیشتری به صف معترضین داد. شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، برپایی حاکمیت و اداره شورایی و ... در آن چند ساعت در فضا طنین انداز بود. همچنین سخنرانی های پرشوری از طرف شرکت کنندگان از جمله کادرهای حزب ایراد شد.

رفیق سونیا محمدی در سخنرانی اش جنایات چهل و سه ساله جمهوری اسلامی و بویژه ظلم و ستم و بی حقوقی بیشتر بر زنان و در نهایت حاکمیت شورایی را بعنوان راه حل پایان این مصائب، مطرح و یادآوری کرد. همچنین رفیق فواد عبداللهی، از تضعیف شدید حاکمیت در مقابل اعتماد به نفس و قدرت مردم و طبقه کارگر از زمان اعتراضات دیماه ۹۶ تاکنون سخن گفت. ایشان همچنین با اشاره به نتایج «تربییون های آزاد خیابانی» جمهوری اسلامی که با نتیجه معکوس به علیه خودشان تبدیل شد، و انتخاب اداره شورایی از طرف مردم و طبقه کارگر بعنوان تنها آلترناتیو جامعه ایران سخن گفت. سخنان و شعارها بیان مطالبات آزادیخواهانه و برابری طلبانه و برحق مردم بود.

هیچ اثری از صف رای دهندگان نبود و فقط تعداد اندکی برای رای دادن حضور پیدا میکردند که البته حاضران معترض آنها را با شعار «مزدور برو گم شو» بدرقه میکردند.

تشکیلات لندن حزب حکمتیست (خط رسمی) در ادامه تلاشهای مستمر خود این اعتراض مردم و طبقه کارگر ایران را به گوش فعالین کارگری و چپ بریتانیا و اروپا خواهد رساند و همچنین با فشار به دفاتر جمهوری اسلامی در لندن به فعالیت های خودش در اشکال مختلف ادامه میدهد. ما ضمن قدردانی از همه آزادیخواهانی که خودشان را به تجمع رساندند، همه ایرانیان آزادیخواه، برابری طلب، مدافعین طبقه کارگر و سازمان های چپ و حامی کارگر را به همراهی بیشتر در اعتراضات پیش رو در این دوره سرنوشت ساز مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی فرا میخوانیم.

تشکیلات لندن حزب حکمتیست خط رسمی

۱۹ ژوئن ۲۰۲۱

آلمان - بن

به دنبال فراخوان سراسری تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)، تشکیلات آلمان این حزب نیز فراخوان به تظاهرات در شهر بن در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی را اعلام کرد که احزاب و ایرانیان آزادیخواه دیگر نیز همراه با حزب حکمتیست (خط رسمی) در این آکسیون علیه مضحکه انتخابات جمهوری اسلامی شرکت داشتند.

کادرهای حزب در این تظاهرات به طور فعال شروع به سخنرانی از زوایای مختلف علیه انتخابات کردند و «نه» روشن و قاطع مردم ایران به جمهوری اسلامی را منعکس کردند.

آسو فتوحی بر دوران جدیدی از رویارویی مردم با جمهوری اسلامی تأکید کرد که از دیماه ۹۶ به این طرف روز به بروز جمهوری اسلامی را به سمت پرتگاه سقوط هل داده است؛ به قدرت جنبشی اشاره کرد که از هفت تپه تا میادین کار و زیست مردم به انحاء مختلف دست به سازماندهی مقاومت از پایین علیه جمهوری اسلامی زده است.

شراره رضایی، از سازمان رهایی زن به مبارزات برابری طلبانه زنان در طی چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی اشاره کرده است و همچنین قدرت جنبشی را که امروز تریبونهای «آزاد» نظام را به اعلام کیفرخواست خود تبدیل

کرده است اشاره کرد؛ ایشان بر لزوم اداره شورایی جامعه که امروز بعنوان خواست طبقه کارگر ایران مطرح شده است تأکید کرد.

در ادامه محمد راستی از تشکیلات آلمان و سهند حسینی به اهمیت مبارزه طبقه کارگر و مردم ایران و انعکاس آن در خارج کشور تأکید کرد و بر لزوم خواست اداره شورایی که امروز توسط بخشی از طبقه کارگر ایران بعنوان آلترناتیو اعاده جامعه مطرح شده است، اشاره کردند.

دوران جدیدی در مبارزه مردم با جمهوری اسلامی آغاز شده است. نقش و جایگاه این مبارزه و انعکاس آن در خارج کشور از اهمیت حیاتی برخوردار است. ما از همه آزادیخواهان مقیم آلمان، از نهادها و تشکلهای کارگری و احزاب کارگری دعوت میکنیم که در این دوران جدید، اتحاد و همبستگی خود را با مبارزه پرشور مردم و طبقه کارگر در ایران و برای تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی اعلام دارند.

تشکیلات آلمان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۹ ژوئن ۲۰۲۱

سوئد - گوتنبرگ

جمعه ۱۸ ژوئن محل نمایش انتخاباتی جمهوری اسلام در شهر گوتنبرگ با فراخوان از پیش حزب حکمتیست (خط رسمی) و دیگر جریانهای چپ و کمونیست به محل اعتراض کمونیستها و مردم آزادیخواه و برابری طلب تبدیل شد. یک ساعت قبل از وارد شدن مزدوران رژیم به مکان تعیین شده معترضین با تجمع خود و به محاصره درآوردن آن سعی کردند که جلو برگزاری این نمایش را بگیرند، ولی با محافظت شدید پلیس عوامل رژیم توانستند به محل مذکور وارد شوند که با شعارهای تند معترضین روبرو شده و تعداد انگشت شماری از مزدوران با استفاده از اسکورت پلیس وارد این مکان شده که با اعتراض شدید و درگیریهای فیزیکی بین مردم و عوامل رژیم منتهی شده که پلیس مانند همیشه به معترضین حمله ور میشد که در نتیجه این کشمکش ۲ نفر از معترضین توسط پلیس دستگیر شدند. از ساعت ۳ بعدازظهر تا ۸ شب محل تجمع معترضین شاهد افشاریهایی پر شور سخنرانان و شعارهای متعدد که بر سرنوشت جمهوری اسلامی تأکید می کردند. کادرها و فعالین حزب همراه بقیه کمونیستها ضمن سخنرانی و شعارها بر جایگزینی این نظام با حکومت شورایی تأکید کردند.

حسین مرادی عضو کمیته حزب در گوتنبرگ در بخشی از صحبتهای خود اشاره کردند که زده و بند چفت و بست در حاکمیت به اسم انتخابات حاصل فضای سیاسی امروز در ایران، حاصل «نه» محکم مردم آزادیخواه به کلیت جمهوری اسلامی و حاصل عبور آنها از «اصلاح طلب و اصولگرا» است. عدم مشروعیت و انزجار از سیستمی که در طول این چهل سال کوچکترین حق انتخابی به مردم نداده است، سالها است از طرف مردم آزادیخواه، طبقه کارگر و مردم تشنه آزادی اعلام شده است.

مدتهاست ورق برگشته است؛ همه با چشم باز و ذهن آگاه، مشروعیت این نظام را به اشکال مختلف زیر سوال برده اند و به چالش میکشند. مردم میدانند که این مملکتی است که احزاب مخالف اجازه تأسیس و فعالیت ندارند. این مملکتی است که در مقابل هر تکان اجتماعی از پایین، از رئیس دولت تا رئیس مجلس و قوه قضایی آن، چماق شان را از آستین بیرون میکشند. این حاکمیتی است که در این چهل سال رسماً صدها هزار نفر را کشته است و دهانها را بسته است تا سر کار بماند. کرکه هر سه قوه این نظام به خون لخته شده عزیزان ما آغشته است. در این مملکت کمونیستها، تشکل های کارگری، مدافعان حقوق زن و کودک، تشکلهای مستقل دانشجویی و آزادی عقیده و بیان و خلاصه هر کسی که مغایر این حاکمیت را مطالبه کند، سرکوب و تعطیل میکنند. حتی به پاره های تن این نظام، همانها که از روز سر کار آمدن جمهوری اسلامی بعنوان مزدور و اگره استبداد اسلامی آزمون شان را پس داده اند، رحم نمیکنند.

محمد فتاحی یکی از شرکت کننده گان و سخنرانان این تجمع بود، در گوشه ای از صحبتهایش به این واقعیت اشاره کرد که بی پایه شدن جمهوری اسلامی تنها پدیده جدید این دوران نیست، ایشان به این واقیت تأکید کردند که در کنار تعرض مردم به این رژیم، و در کنار تنفر بی مرز مردم از این نظام یک پدیده سیاسی و یک موجودیت سیاسی اجتماعی جدید هم در سیاست امروز ایران قابل مشاهده است، این پدیده جنبش شورایی است که وزن سیاسی اجتماعی آن در آسمان سیاست ایران برای همه قابل لمس است. این جنبش افق سیاسی، مسیر حرکت و راه پیشروی خود را طی میکند و تأثیرات سیاسی آن در فضای سیاسی پولاریزه شده ایران برای همه قابل رویت است.

کمیته گوتنبرگ حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۹ ژوئن ۲۰۲۱

خارج کشور و جهنمی اعتراضی

برای موش‌ها

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

قلب تپنده اعتراضات گسترده و هر روزه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و برابری طلب در ایران موج خروشان یک تعرض همه جانبه مردم آزادیخواه در خارج کشور را هم به حرکت در آورد و مراکز ترور و جاسوسی و کنسولگری ها و حوزه های «انتخاباتی» رژیم را به جهنمی واقعی برای نظام اسلامی تبدیل کرد. گستردگی این اعتراضات و آکسیونها همچنانکه قول داده بودیم چنان وسیع و میلیتانت بود که حتی این سوارخ موشها برایشان به شدت تنگ و ناامن شد. ما قول داده بودیم که امسال همراه با جنبش عظیم اجتماعی در ایران، زمین را در خارج کشور زیر پای جمهوری اسلامی داغ خواهیم کرد. ۱۸ ژوئن تازه گوشه هایی از بارقه های یک تعرض وسیعتر است که شروع شده است.

در خارج کشور حوزه های «انتخاباتی» رژیم به صحنه اعتراضات و آکسیونهای کوبنده تبدیل شد. تعداد وسیعی از آزادیخواهان، سوسیالیستها و ... مراکز رای گیری را به صحنه محاکمه جمهوری اسلامی تبدیل کردند. حزب حکمتیست (خط رسمی) در کنار آزادیخواهان و کمونیستها صحنه هایی از یک اعتراض قدرتمند را سازمان داده و خلق کردند. ما به زنان و مردان آزادیخواه در ایران که تریبونهای «آزاد» را به تریبون اعلام نفرت از حاکمیت تبدیل کردند تعهد

داده بودیم که صدای آزادیخواهی و برابری طلبی شان را به گوش جهانیان برسانیم و به تعهد خود عمل کردیم! ما قول داده بودیم به نمایندگی از طبقه کارگر، مردم تشنه آزادی و رفاه، زمین را زیر پای ماموران و نمایندگان رژیم داغ کنیم و به قول خود عمل کردیم!

اینجا هم در خارج کشور و در مقابل لانه موشها اعتراض میلیونها نفر در ایران را با قدرت بازتاب دادیم و فریاد زدیم که مردم دیگر جمهوری اسلامی را تحمل نمیکند، رژیم آپارتاید جنسی و قتل و کشتار و سرکوب را نمی خواهند، فریاد زدیم مردم در ایران رژیم فقر و فلاکت و چپاول را نمی خواهند. ما قول داده بودیم فضا را برای حاکمیت هرچه بیشتر تنگ نمائیم و اجازه ندهیم خارج کشور به جولانگاه جمهوری اسلامی تبدیل شود و اینکار را کردیم! فضای قدرتمند و میلیتانت اعتراضی در مقابل کنسولگریها و سفارتخانه های رژیم و سوت و کوری صندوقهای رای بازتابی از فضای سیاسی جامعه و آینه تمام نمای برندگان و بازندگان واقعی این «انتخابات» بود. این پیروزی بزرگ آزادیخواهان و کمونیستها در خارج کشور و شکستی سنگین برای جمهوری اسلامی بود. زنده باد همه مبارزین و آزادیخواهانی که با حضورشان این پیروزی درخشان را به ثبت رساندند.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن تبریک این پیروزی بزرگ به همه آزادیخواهان و مبارزین، دست همه کمونیستها و آزادیخواهان را برای کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی در خارج کشور می فشارد! تبدیل کردن خارج کشور به جهنمی برای جمهوری اسلامی تازه شروع شده است.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)
۲۰ ژوئن ۲۰۲۱



انتخاب مردم:
آزادی، رفاه، حکومت شورایی!

اما تلاش رئیسی و حامیان او برای بازی با کارت هفت تپه، به نام حامی کارگر و «عامل» خلع ید از اسد بیگی، چیزی که از قبل قابل تصور بود، نمایشی مضحک و پر از فریب و حقه بازی بود، که از جانب کارگران هفت تپه به روشنی جواب گرفت، شکست خورد و کنار گذاشته شد. کارگران هفت تپه در روز انتخابات در این مرکز تجمع اعتراضی خود و اعتصاب خود علیه توطئه مشترک کارفرمای خلع ید شده و آقای رئیسی را داشتند. این ماجرا طبیعتاً چیزی در مورد رئیسی و مدافعان او جز یک شارلاتانیزم سیاسی مشتمل کننده نمیکفت، اما بیان موقعیت کارگران هفت تپه و اعتبار آنها در جامعه ایران بود. رئیسی میخواست با کارگر پنهانی ریاکارانه، با حقه بازی همیشگی و قسم خوردن به درد و رنج کارگران هفت تپه، محبوبیت و اعتبار بالای آنها در جامعه را بخرد، فریب دهد و رای جمع کند. رئیسی همراه طیفی از همراهان او، از دانشجویان بسیجی که لباس «عدالتخواهی» پوشیده اند، تا عوامل شورای اسلامی و همه اقدار حکومتی، تلاش کردند دستاوردهای کارگران هفت تپه را مصادره کنند، از اعتبار آنها در خدمت جناحی از حکومت سواستفاده کنند، کارگران هفت تپه و رهبران و نمایندگان آنها و جنبش وسیعی که حامی آنها بود را، کوچک و ناچیز جلوه دهند تا اولاً با اتکا به اعتبار آنها رای گدایی کنند و در ثانی زمینه برای ایجاد انشقاق در میان کارگران و شکست مبارزات آنها را فراهم کنند. بعلاوه همراه این تلاشها شمشیر حاکمیت بر گردن کارگر هفت تپه و خانواده های آنها با قطع آب و عدم پرداخت مزد کارشان از جانب رئیسی و رئیسی های حاکم بر ایران، از جانب اسد بیگی و یاران او در حاکمیت، حتی برای یک ساعت هم قطع نشد.

کارگران هفت تپه با تشخیص این سناریوی مهندسی شده از جانب حاکمیت و در راس آن رئیسی و اسد بیگی خلع ید شده، این سناریو را نیز به شکست کشاند، افشا کرد و شکست داد.

اما در حاشیه و بر متن این جدال عده ای به نام کارگر و «دفاع» از طبقه کارگر در باد کمپین رئیسی علیه کارگران هفت تپه دمیدند و از هیچ تلاشی علیه کارگران هفت تپه کوتاهی نکردند. این طیف به بهانه های مختلف، با شایعه پراکنی، با اتکا به ادعاهای حامیان رئیسی و «اطلاعات» سر و دم بریده مراکز و هواداران او، با اتکا به شایعات عوامل اسد بیگی که در قالب «اطلاعات و سند» علیه کارگران به بازار عرضه میشد، آنها را مستمسکی علیه مبارزات متحد هفت تپه قرار دادند.

من قبل از مطلبی زیر عنوان «اتحادی نامیوم علیه کارگران هفت تپه» به این صف جواب دادم. اما و بدنبال دسته گل به آب دادن خانم شهلا دانشفر و منتسب کردن حمله اوباش رژیم به خنیفر و تعدادی دیگر، به کارگران معترض هفت تپه که در نوشته فوق به آن پرداختم، حمید تقوایی به عنوان لیدر «حزب کمونیست کارگری» به جلو صحنه آمد و در مصاحبه ای با تلویزیون این حزب زیر عنوان «هفت تپه، توطئه ها، چالش ها و سیاست اصولی» به جای پوزش از کارگران هفت تپه بابت منتسب کردنشان به چاقوکشی علیه هم طبقه ای خود، همان ادعاهای نخراشیده و نستجیده خانم دانشفر را در بسته بندی «سیاسی» تر و «معقول تری» به عنوان حقیقت رو به جامعه اعلام کرده است.

حمید تقوایی علیرغم اطلاعاتی و نوشته و صحبت های مختلف فعالین کارگری هفت تپه، سندیکی هفت تپه، کارگران هفت تپه علیه این تبلیغات شنیع و مشتمل کننده ستاد رئیسی و ... ، ادعا کرده اند که دو نماینده کارگران هفت تپه (خنیفر و چشم خاور) عضو ستاد انتخاباتی رئیسی شده اند. خلیل کیوان، به عنوان مصاحبه کننده با تقوایی، درست مانند خانم دانشفر وانمود میکند که بدلیل عضویت این دو نفر در ستاد انتخاباتی رئیسی، کارگران هفت تپه عصبانی شده و به آنها حمله کرده اند. تقوایی میگوید:

«اما اتفاقی که افتاد این بود که خنیفر و چشم خاور رفتند و در ستاد رئیسی عضو آن ستاد شدند، ... در جامعه ای که همه میگویند خواهان سرنوشتی هستیم دو فعال کارگری بروند جلو و بگویند بیا بیا به رئیسی رای بدهید تا جایی که به قضیه خود هفت تپه مربوط است بنظر من باید خیلی روشن کارگران هفت تپه، شورای هفت تپه، مجمع شورا یا هر ارگانی که به اصطلاح نقش اساسی داشته باید صریحاً این را محکوم کنند.»

«...این با رفتن به ستاد رئیسی شروع نشد در همان جشن پیروزی هفت تپه یک جشن دیگر هم به موازاتش سعی کردند درست کنند، همین افراد، همین خنیفر و چشم خاور در آن نقش داشتند، عده ای هم آنجا جمع شدند به عنوان تشکر از رئیسی، جشن پیروزیشان را با تشکر از رئیسی همراه کردند که با استقبال کارگران همراه نشد.»

با توجه به روشننگری های کارگران هفت تپه احتیاجی به توضیح بر سر حقایقی که اتفاق افتاد، نیست. کارگران هفت تپه اعلام کردند که خنیفر و چشم خاور برای مذاکره با چند نماینده مجلس به تهران دعوت میشوند و محل دیدار آنها

بدون اطلاع از پیشی این دو نفر ستاد انتخاباتی رئیسی بوده است. در این دیدار که مضمون آن توسط خود این کارگران پخش شد جز مشکلات هفت تپه و خواست رفع آنها از آب هفت تپه تا ماجرای خلع ید و دستمزد کارگران بیان نشده است. این نشست میتوانست در مجلس یا قوه قضائیه و یا هر مکان دیگر حکومت باشد. اما ظاهراً مکان این جلسه و ترفند ستاد رئیسی برای سوءاستفاده از این نشست بهانه ای شد تا کسانی چون تقوایی به کمپین ستاد رئیسی بپیوندند و اعلام کنند که نمایندگان کارگری عضو ستاد رئیسی شده اند. نکته بعدی و یا ادعای بعدی حمید تقوایی، روایت او از جشن پیروزی کارگران است. این ادعا که برنامه ای دیگر در حاشیه جشن کارگران هفت تپه توسط یا با نقش خنیفر و چشم خاور برای تشکر از رئیسی برگزار شده است، هم بخشی از همان پروپاگاندا شرم آوری است که هواداران رئیسی به راه انداختند و با هوشیاری کارگران هفت تپه شکست خوردند. اما «معلم» و لیدر این «حزب» از خر شیطان پائین نمی آید و همان خزعبلات ستاد رئیسی را تکرار میکند.

خلع ید از اسد بیگی پیروزی کارگران هفت تپه پس از جدالی سخت و چندین ساله با حاکمیت بود. کارگران هفت تپه خلع ید و محاکمه اسد بیگی را به جمهوری اسلامی تحمیل کردند. طبیعی است حاکمیت تلاش کند شکست خود را «مراحم» خود و «بخشش» به کارگر هفت تپه نام بگذارد و عده ای، هم به نام دفاع از کارگر به بلندگوهای این کمپین تبدیل شده اند. اینکه جمهوری اسلامی و عوامل آن تلاش کنند در هفت تپه و هر مرکز کارگری دیگری حضور پیدا کنند، پرچم جمهوری اسلامی را بلند کنند و ... امری طبیعی است و هزار بار انجام شده است. اینکه صدا و سیما جمهوری اسلامی و عوامل و دستگاه تبلیغاتی آنها سعی کنند برای سرکوب کارگر هفت تپه و خدشه دار کردن مبارزات آنها، موشدوانی های خود و عوامل اطلاعات، خانه کارگر، اسد بیگی و شورای اسلامی و ... را حرکت کارگر هفت تپه نام بگذارند امری کاملاً طبیعی است. اینکه رئیسی و عوامل او تلاش کنند به نام هفت تپه و با عکس کارگر هفت تپه سر مردم کلاه بگذارند و فریب دهند و رای بخرند، امری مسلم است. اما اینکه آقای تقوایی و حزبش همراه یک عده فرصت طلب دیگر، به نام «دفاع» از کارگر هفت تپه، تیشه برداشته و ریشه یک اتحاد بزرگ کارگری را هدف بگیرند، این دیگر جایگاه خود این جریان و همراهان او و نامربوطی مطلق آنها به کارگر و کمونیسم را نشان میدهد. در اینکه حزب آقای تقوایی استاد چک بی محل کشیدن است، تردیدی نیست، در اینکه دنیای فرقه ای آنها جای دنیای واقعی را گرفته است باز تردیدی نیست، اما این ادعاهای پوچ و بی پایه را دیگر نمیتوان به حساب پرتی آنها از دنیا و بی اطلاعی مطلق شان گذاشت. حزب آقای تقوایی و لیدرش نیز درست مثل بقیه مخالفان دل چرکین هفت تپه، میخواهند از این فرصتها علیه کارگران هفت تپه سود ببرند و اهداف نامبارک خود را دنبال کنند.

این بازی پایان ندارد. پیشروی جنبش کارگری، پا پیش گذاشتن نمایندگان رادیکال و آگاه طبقه کارگر، قطبی شدن جامعه حول پرچم سوسیالیستی طبقه کارگر، عرصه را بر چپ بورژوازی و نمایندگانشان تنگ کرده است. قد علم کردن گرایش سوسیالیستی در این طبقه، مخالفان سوسیالیسم کارگری را با پرچمهای رنگارنگ اینبار به نام کمونیسم و کارگر علیه خود به صحنه می آورد. به هر میزان فضای جامعه تحت تاثیر پرچم سوسیالیستی طبقه کارگر قطبی شود، هر اندازه امید به رهایی سوسیالیستی بالا بگیرد، هر اندازه افق انقلاب کارگری در جامعه سمپاتی پیدا کند، جنبشهای بورژوازی، احزاب و شخصیت های آن از راست تا چپ، عربانتر، بی رحمانه تر، روشن و شفافتر به جنگ طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی آن میروند. این مسیر همزمان مسیر جدا شدن صفها، ریختن توهمات، عریان شدن واقعی چهرها و افقهایی است که به نام کارگر علیه منافع این طبقه عرض اندام میکنند. در این جدالها و در این مسیر، هرچه جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، کمونیستهای این طبقه، حزب کمونیستی این طبقه، سیاستهای خود را روشنتر و شفافتر بیان کند، هرچه محکم تر و قاطعانه تر از استقلال طبقه کارگر، از امر انقلاب کارگری دفاع کند، نیروی طبقه خود را بیشتر زیر این افق میکشاند، متحد میکند و شانس پیروزی خود را بیشتر میکند.

بالماسکه «انتخابات» تمام شد. طبقه کارگر دور جدیدی از جدال خود بر سر آینده را با حاکمیتی شکست خورده و تضعیف شده آغاز میکند. در این جدال بر سر رفاه و آزادی تقابل با این چپ ضد کارگری و سد بستن در مقابل آن بخشی از ملزومات متحقق کردن اتحاد کارگری است.

قدرت طبقه کارگر

در اتحاد و تشکّل اوست!

کرونا عزرائیل فقرا یا فرشته بورژوازی

آسو سهامی

بیش از یک سال است که از پاندمی کرونا می‌گذرد. طی این یک سال ما شاهد مرگ هزاران نفر در سراسر جهان بوده و هنوز که هنوز است، عزرائیل کرونا روزانه هزاران نفر را به کام مرگ می‌فرستد. ویروسی که از هرکجا که آمده باشد مهم نیست، مهم اینست که کرونا فرشته ایست که در خدمت بورژوازیست تا با گرفتن جان انسانها بر ثروت ثروتمندان بیافزاید.

پاندمی کرونا باعث شد تا ملیونها نفر از طبقه کارگر در سرتاسر جهان از کار بیکار و یا اخراج شوند. بنا بر گزارش سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد، «فائو» در دوران کرونا شمار گرسنگان جهان به شدت روند افزایشی داشته است. از سوی دیگر گزارش یک بانک سوئیسی نشان می‌دهد که ثروت میلیاردهای جهان در دوره اوج همه‌گیری ویروس کرونا رشد چشمگیری داشته است، کرونا و پانیک که مدیای سرمایه داری در ذهن مردم ایجاد کرد سبب شد که شرکتهای مواد بهداشتی، دارویی و غذایی ضمن افزایش فروش اجناس خود، از وضعیت ایجاد شده به نفع خود استفاده کرده و با تکیه بر اصل عرضه و تقاضا، نخست ما کمبود ظاهری اجناس را در بازار شاهد بودیم و از این طریق ضمن تشدید ترس از کمبود اجناس در بازار، با افزایش نرخ آن و توانستند به قیمت فقیر تر شدن طبقه پایین دست جامعه بر ثروت خود بیافزایند.

برندگان اصلی بحران پدیدآمده به دلیل کرونا، بخش فناوری اطلاعات، فروشگاه های مواد غذایی، صنعت داروسازی و تجارت اینترنتی بوده‌اند.

بنا بر همین گزارش جف بزوس، صاحب آمازون و ثروتمندترین فرد جهان، از ابتدای ۲۰۲۰ حدود ۷۴ میلیارد دلار به ثروتش اضافه شده است. ایلان ماسک، بنیانگذار تسلا، بیشترین افزایش ثروت را از ابتدای ۲۰۲۰ تا کنون داشته و دارایی او با جهش ۷۶ میلیارد دلاری به ۱۰۳ میلیارد رسیده است. فروشگاه زنجیره ای «لیدل»، با فروش بیش از ۱۳۹ میلیارد یورو در رتبه نخست فروشگاه‌های زنجیره‌ای اروپا قرار گرفت و فروشگاه بریتانیایی «تسکو» ۸۱ میلیارد یورو فروش، فروشگاه آلمانی ریو با ۸۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون یورو، فروشگاه های زنجیره ای آلدی: ۷۱ میلیارد و ۴۸۰ میلیون یورو و همچنان می‌توان ده ها فروشگاه دیگر را به این لیست اضافه نمود.

بانک یوبی‌اس می‌گوید بین ماه‌های آوریل تا ژوئیه ۲۰۲۰ دارایی ابرپولدارهای جهان بیش از یک‌چهارم (۵/۴۷ درصد) افزایش داشته و به رکورد ۲/۱۰ تریلیون دلار رسیده است.

این رکورد در حالی ثبت شده که در این دوره میلیون‌ها نفر به دلیل شیوع کرونا و تعطیل شدن کسب و کارها شغل خود را از دست دادند و به دنبال گرفتن کمک‌های دولتی برای امرار معاش هستند.

بنا به گزارش دیگری از موسسه آکسفام ثروت حدود دو هزار نفر از مجموع دارایی‌های شصت درصد جمعیت جهان (۶/۴ میلیارد نفر) بیشتر است. ده درصد از ثروتمندترین‌های دنیا، ۸۲ درصد کل ثروت جهان را در اختیار دارند.

بانک «یو بی اس» نیز در گزارش خود به این موضوع اعتراف کرده است که شکاف سطح درآمد در بسیاری کشورها بیش از پیش بوده است، زیرا کارگران با درآمد پایین و مشاغل ناپایدار، در بحران کرونا بیش از دیگران آسیب دیده‌اند و درآمد و شغل خود را از دست داده‌اند.

نکته قابل توجه در این گزارش اینست که دولت‌ها تمامی تلاششان بر اینست که آنچه را که در دوران کرونا هزینه کرده‌اند، با افزایش مالیات بار دیگر به خزانه دولت بازگردانند و از سوی دیگر نرخ بهره افزایش خواهد یافت و این به این معناست که بورژوازی جهانی با تعرض بیشتر به سفره خالی طبقه کارگر دوباره می‌خواهد خزانه دولت را پر کند، تا ثروتمندان با خیالی آسوده بر ثروتهای خیالی خود بیافزایند.

افزایش نابرابری درآمد در دوران کرونا و بعد از کرونا برای طبقه پایین جامعه همانند شمشیر دو لبه ایست که از یک سو جان آنها را به خطر انداخته است، مرگ و میر هزاران نفر و همچنین بیکاری میلیون ها کارگر در جهان را شاهد هستیم و از سوی دیگر باعث کوچکتر شدن سبد خرید و سفره خانوارها گشته است و با این حال دولتهای حامی سرمایه داری به این سفره خالی نیز رحم نمی‌کنند.

کنند و با افزایش مالیات، فشارها را بر گلوئی این طبقه بیشتر کرده‌اند. مطالعات در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که شمار افراد کم‌درآمد ازجمله پرستاران، رفته‌گران یا رانندگان اتوبوس در بیش‌تر جوامع، از سطح درآمدی پایین‌تری برخوردار هستند و نمی‌توانند از راه دور کار کنند و در نتیجه بیشترین تماس را با ویروس کرونا دارند. به همین دلیل، در بسیاری از مناطق محروم در کشورهای مختلف، شمار مبتلایان به بیماری کووید-۱۹ بیشتر بوده است؛ نمونه آن در بریتانیا بوده است. تحقیقات اداره آمار ملی بریتانیا نشان می‌دهد که از هر ۱۰۰ هزار نفر در فقیرترین مناطق بریتانیا، ۵۵ نفر به‌خاطر ابتلا به کووید-۱۹ جان باخته‌اند.

براساس گزارش دفتر منطقه‌ای مبارزه با فقر شدید سازمان ملل متحد در اروپا، امسال ۲۱ درصد شهروندان اروپایی در آستانه فقر شدن هستند و حدود نیم میلیارد نفر دیگر را در سراسر جهان به شمار فقرا اضافه خواهد شد و به زیر خط فقر خواهد رفت.

افزایش بیکاری و عمیق تر شدن شکاف طبقاتی، قطعاً اعتراضات و ناراضیاتی های گسترده ای را به دنبال خواهد داشت و از هم اکنون شاهد اعتراضاتی در سراسر جهان هستیم به قول یووال نوح هراری، ویروس کرونا بحرانی سیاسی است نه پزشکی و احتمالاً زندگی ما را برای سال‌ها تغییر خواهد داد.

طبقه کارگر جهانی و لایه های پایین جامعه در سالهای آتی دو انتخاب بیشتر در پیش روی خود ندارد، یا اینکه به این تعرض گستره بورژوازی تمکین کند و شاهد فقر روزافزون خود باشد، یا باید در مقابل آن ایستاد و با اعتراضات خود بساط این جنگل وحشی و این زالوها را با قهر انقلابی خود در هم پیچد. انتخاب سومی در میان نیست، شاید اگر به نتایج نشست اخیر نماینده گان بورژوازی و کشورهای ثروتمند (گروه ۷) در کورنوال بریتانیا نگاهی بیافکنیم، از همین الان ترس را در چهره تک به تک رئیس جمهورانشان خواهیم یافت و تمام تلاششان بر این اصل استوار است که چگونه مردم جهان و طبقه کارگر را فریب دهند تا به عمر ننگین خود و زندگی زالویی ثروتمندان بیافزایند.

کارگران!

برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی به قدرت خود، به قدرت میلیون‌ها انسان گرفتار در چنگال نظام فقر و استثمار و تبعیض و بی حقوقی مطلق، برای انقلاب کارگری و برپایی جهانی نو و بهتر به حزب خودتان پیوندید! حزب حکمتیست (خط رسمی) مهمترین ابزار متحد و متشکل شدن شما، مهمترین ابزار این سرنگونی و به پیروزی رساندن انقلاب کارگری است!

زنان و مردان آزادیخواه!

همه خود را برای فردای پس از جمهوری اسلامی آماده می‌کنند! نیروهای راست و ارتجاعی نیروی خود را برای دست بدست کردن قدرت از بالای سر ما، خود را برای تحمیل یکدور دیگر از استثمار و فقر و استبداد به نامی دیگر، آماده می‌کنند و ابزار خود را صیقل می‌دهند! ما، طبقه کارگر بیزار از فقر و استثمار و بی حقوقی! ما زنان تشنه‌رهایی از آپارتاید جنسی و تحقیر و سرکوب جنسیتی، ما جوانان و کارکنان و بیکاران و سالمندان گرفتار در چنگال نظام و حکومتی ضدانسانی، باید خود را آماده کنیم! حزب حکمتیست (خط رسمی)، ابزار قدم نهادن به این جدال است! به حزب تان پیوندید!

میانیه حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراه است

hekmatist.com



تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

حکمتیست هفتکے

سر دبیر: فواد عبداللہی

انتخاب مردم:

آزادی رفاه

حکومت شورایی!

«انتخابات» در جمهوری اسلامی تمام شد و این خندق هم توسط مردم و طبقه کارگر به تصرف درآمد! مردم و طبقه کارگری که قدرت خود را در اعتصابات کارگری، در خیزشهای توده ای، در تجمعات اعتراضی و در تخته کردن بساط انتخابات به حاکمیت و جهانیان نشان داده است، پس از «انتخابات» با حاکمیتی به مراتب ضعیف تر، با صفی متشت و مستاصل روبرو است. دوران پر تحول و سرنوشت سازی در راه است و باید خود را آماده کرد. نباید به این پیروزی، هرچند بزرگ و شورانگیز اکتفا کرد. باید این پیروزی را به سنگری برای پیشروی های بعدی در جدال سرنوشت ساز بر سر آینده خود و نسلهای آتی، برای ساختن یک دنیای بهتر، آزاد و سعادتمند تبدیل کرد.

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!